

## گفت‌وگو با امین حیایی درباره بازی‌های خلاقانه

**هوش و مهارت بعضی کارگردان‌های ایرانی و راه‌های رسیدن به موفقیت در این مسیر**

# وقتی خریداری نیست، خلاقیت هم نیست

◀ پرویز پرستویی، رضا کیانیان، علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی از خلاق‌ترین بازیگرانی هستند که دوست‌شان دارم

◀ ادوارد نورتون از خلاق‌ترین و بهترین بازیگران سال‌های اخیر هالیوود است

نگار باباخانی | امین حیایی بازیگر عجیبی است: یکی از بااستعدادترین بازیگران سینمای ایران که باوجود این‌که جایگاه تثبیت‌شده‌ای به‌عنوان یک ستاره دارد، اما هیچ‌گاه هم‌اندازه‌استعداد و توانایی‌هایش نتوانسته حق خودش را از این سینما بگیرد. آدمی با استعداد امین حیایی الان قطعاً باید یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های بازیگری این مرزوبوم باشد، اما در بهترین تصور ممکن حیایی یک بازیگر محبوب است و به جایگاهی که لیاقتش را داشت، حتی در حد چند قدم نیز نزدیک نشده است. خیلی از کارشناسان انتخاب‌های او را در این قضیه دخیل می‌دانند و اعتقاد دارند این واقعیت‌که او حتی یک فیلم درجه یک نیز در کارنامه‌اش ندارد، شاهد این مثال است. اما عده‌ای دیگر نیز با نگاهی واقع‌بینانه‌تر به سینما با تاکید روی این بحث‌که یک بازیگر در هر جایگاهی هرگز

انتخاب‌کننده نیست و تنها می‌تواند از میان نقش‌هایی که بهش پیشنهاد می‌شود، بهترین را در شرایط خاص پیشنهادهایش انتخاب کند؛ پای شانس و اقبال را وسط می‌کشد که هیچ‌گاه این بازیگر در شرایطی برابر با برخی از خوش‌شانسی‌های این حرفه قرار نرفته؛ تا جایگاهش نیز در اندازه آنها باشد. حق با این گروه نیز می‌تواند باشد. حیایی حتی زمانی‌که کاری متوسط هم بهش پیشنهاد شده، چنان خوب ایفای نقش کرده‌که الان گزینه اصلی چنین بحث‌هایی باشد. او با بی‌شمار نقش آفرینی در فیلم‌های معمولی و چند حضور در چند فیلم آبرومندتر از نظر ارزش بازیگری – و نه فیلم‌های کارنامه‌اش – جزو معدود بازیگران این سینما به‌شمار می‌آید که بازی بد در کارنامه‌اش نمی‌توان یافت. بی‌شک این اتفاق مدیون و مروهون استعداد، توانایی و نیز خلاقیت این هنرپیشه

تکنید که مهمترین چیز در مورد آینده یک نفر موفقیت یا ناموفق بودن او است. آن‌که به اجبار دیگری رشتته‌ای را که مورد علاقه‌اش نیست دنبال می‌کند، احتمال موفقیتش بشدت پایین می‌آید، درحالی‌که اگر فصردی از همان دوران کودکی بتواند مسیر علاقه‌اش را پیدا کرده و در همان مسیر ادامه راه بدهد، مسلماً راه درست و مناسب زندگی‌اش را انتخاب کرده و در آن زمینه امکان بروز خلاقیت و به تبع آن موفقیتش بیشتر است. این‌جاست‌که می‌توان گفت خلاقیت می‌تواند مسیر زندگی انسان را تغییر دهد...

شمار از بازیگری خلاق می‌شناسند که از پس ایفای هر نقشی برمی‌آید و حتی در ضعیف‌ترین فیلم‌ها نیز با تکیه بر خلاقیتی که دارد به نحوی گلیم خودتان را از آب بیرون کشیده و حضوری محترم و آبرومند دارید. آیا برای نزدیک شدن به این توانایی‌ها تمرینات خاصی انجام می‌دهید؟

مرسی از تعارف‌تان. اما من اگر در نقشی، هر نقشی، خوب و به قول شما قابل قبول ظاهر شدم، دلایل ساده‌ای دارد این مسأله؛ یا به آن نقش و فیلمنامه علاقه‌مند بوده‌ام یا این‌که در تمرینات متعدد و مداوم قبل از آغاز فیلمبرداری به آن نزدیک شده و در زمان اجرا نیز توانسته‌ام کاملاً به آن برسم. آنهایی‌که از بازیگری سررشته دارند، این را به خوبی می‌دانند که بیشتر بازی‌ها در همان لحظات اجرا و به عبارتی سرر صحنه و جلوی دوربین شکل گرفته‌اند.

خب خلاقیت مگر چیزی جز این مسیریابی لحظه‌ای‌است؟

نمی‌دانم. فقط این را می‌توانم بگویم که اغلب زمانی‌که جلوی دوربین رفته‌ام، چون از قبل متن را خوانده و با زیروم و فضای کلی فیلم و نقش آشنا بوده‌ام، دستم برای ایجاد و بروز یک‌سری خلاقیت‌ها باز بوده و توانسته‌ام آن لحظه فیلم و موقعیت را برای خودم ترسیم کرده و راهی برای تصویر کردن منطقی نقش پیدا کنم. در حقیقت می‌توانم این‌گونه بگویم هنگامی‌که مقابل دوربین قرار می‌گیرم با تکیه بر تمرینات قبلی و تصورات ذهنی‌ام از نقشی‌که باید ایفا کنم، می‌توانم دست به کار خلاقانه‌ای بزنم و ایده‌های ذهنی‌ام را در صحنه اجرا کنم...

خودم که به‌عینه در چند تا از کارهای‌تان شاهد بوده‌ام و البته همکاران‌تان نیز بر این مسأله گواهی می‌دهند که سر صحنه با عوامل اصلی فیلم کلنجر – به معنای مثبتش؛ به کار می‌برم این کلمه را – می‌روید و در مشورت مدام به‌خصوص با کارگردان ایده‌هایی برای پیشبرد کار می‌دهید که الزاماً جزو وظایف یک بازیگر نیستند و خیلی

از بازیگران حتی‌اسمورسسم‌دار نیز تا این حد خودشان را درگیر کار نمی‌کنند. آیا در همه فیلم‌های‌تان این‌قدر اهل مشورت و مشاوره دادن هستید؟

بعضی از کارگردانان این اخلاق خوب را دارند که میدان را برای همه بساز می‌گذارند تا اگر ایده و نظری برای بهتر شدن کار دارند، ارایه دهند. این کارگردانان درواقع فضایی به وجود می‌آورد که هر کسی بتواند به نوبه خود فیلم را پیش ببرد.

آیا این باعث آسفتنگی و هرج‌ومرج در کار نمی‌شود؟

بعضی‌ها این کار را از بلد نبودن است‌که انجام می‌دهند؛ یعنی چشم‌شان به دهان عوامل است تا چیزی شنیده و خود را از تنگنای کاری نگردن برهاند. اینها چیزی ندارند و در صحبت با عوامل دنبال چیزی هستند که گلیم‌شان را در آن صحنه از آب بیرون بکشند؛ بقیه فیلم را هم بالاخره خدا کریم است و کسی را پیدا خواهند کرد تا بهشان بگوید چه کنند و چه نکنند.

است‌که حتی معمولی‌ترین نقش‌ها را نیز با حضورش جلا و جلوه می‌دهد... در گفت‌وگویی‌که در پی می‌آید، با این بازیگر در همین زمینه‌ها حرف زده‌ایم. بی‌شک بازیگری در جایگاه و موقعیت امین حیایی به مورد فیلم‌ها و نقش‌های کارنامه‌اش حرف زده است. اما در این میان این‌که چه عاملی باعث می‌شود بازیگری بتواند حتی در فیلم‌هایی‌که فرصت درخشش را برای عوامل‌شان مهیا نمی‌کنند، حضوری به‌یادماندنی داشته باشد، از آن بحث‌هایی‌است‌که جای‌شان می‌تواند در ادبیات رسانه‌ای این روزها خالی احساس شود. پس پای صحبت‌های امین حیایی می‌نشینیم و گپی می‌زنیم با او درباره خلاقیت و استعداد. آن‌چه در پی می‌آید بخشی کوتاه‌است از یک گفت‌وگوی طولانی‌که در آن از هر دری سخن به میان آمده‌است...

بازیگر – درواقع تکتک عوامل – می‌رسد و بازیگر می‌تواند نقشش را بهتر ایفا کند و خلاقیت بیشتر و آشکارتری را در کارش به‌نمایش بگذارد. زمانی‌که هیچ‌کدام از عوامل موثر بر کیفیت فیلم در کاری مهیا نباشد؛ یعنی مثلاً سرعت کار بی‌خودی بالا باشد – منظوم کار کردن با عجله است‌نه استفاده‌هینه از وقت – یا همه بخواهند با هر کیفیتی کار را تمام و به اصطلاح جمع کنند؛ یا این‌که تنها دستاورد مهم برای سازندگان فیلم گیشه باشد و توجهی به مسائل هنری و زیبایی‌شناسانه نداشته باشند؛ به‌طور حتم میزان خلاقیت و کارایی بازیگر هم پایین می‌آید و نمی‌تواند مجالی برای بروز و نمایش آن پیدا کند.

اما شما حتی در چنین کارهایی هم حضور قابل‌قبولی دارید. من منظوم به دیده نشدن کار است‌نه ناتوانی بازیگر در اجرای مناسب.

من به‌شخصه در چنان کارهایی هم سعی کرده‌ام خود را با شرایط موجود تطبیق دهم و با تمرکز روی تقضم نتیجه مناسبی از حضورم به‌دست‌آورم. اما به‌تعمد بعضی فیلم‌ها و نقش‌های کمبود و ضعف‌های مشهود در فیلمنامه و کارگردانی دارند که دیگر کاری از دست هیچ‌کس از دست هیچ‌کس از دست بهترین حتی‌تعمدترین و بازیگران نیز ضعیف‌تر از کارنامه‌تان نمی‌تواند از تقبلد توانایی‌های خود استفاده کند و ناب‌بودن وجودش را به تصویر بکشد. بگذارید این‌گونه بگویم که خلاقیت در بازیگری یعنی ارایه و اجرای خود خود بازیگر به‌ناب‌ترین و عریان‌ترین شکل ممکن.

شما را به‌عنوان بازیگری می‌شناسند که کمتر توانسته‌اید به حقتان در این عرصه برسید. در این‌که نقش آفرینی ضعیف‌تر کارنامه‌تان کم به چشم می‌خورد، اما به‌عنوان یکی از مستعدترین بازیگران فعال در سینمای ایران‌که البته شناخته‌شده ایران‌هست، کمتر توانسته‌اید آن جایگاهی را‌که لیاقتش را دارید، تصاحب کنید. در این‌میان بعضی نقض‌های‌تان استثنا هستند و برخلاف شمار بیشتری از کارهای نادیده‌مانده‌تان توانسته‌اند به خوبی دیده، تحلیل و ستایش شوند. مثل حضورتان در میهمان‌مامان یا حتی دست‌های آلوده. به نظر خودتان این نقش‌های دیده‌شده و ستایش‌شده چه داشته‌اند که دیگر نقش‌آفرینی‌های‌تان از آن بی‌بهره‌مانده و دیده‌نشده‌اند؟

به‌هرحال نقش آفرینی بازیگر به خیلی چیزها بستگی دارند و به اصطلاح تابعی از عوامل مختلف است. هر چه فیلمنامه بهتر و جذاب‌تر و فکرشده‌تر باشد، کارگردان هر چه توانا‌تر باشد و البته عوامل هر چه با هم رابطه بهتری داشته باشند و پشت صحنه فضای آرام‌تری داشته باشد، سودش به فیلم و البته

می‌توانید بگویید منبع الهام خلاقیت‌های‌تان چیست؟

بیشتر به خلاقیت‌های ذهنی رجوع می‌کنم. یعنی زمانی‌که فیلمنامه را می‌خوانم، بعد از مدتی دیگر کاری با فیلمنامه نوشته‌شده ندارم و آن را بیشتر در ذهن پرورش می‌دهم. فیلم را با جزئیات تکتک پلان‌هایش در ذهنم تصویر می‌کنم و موقع فیلمبرداری نیز به همان تصاویر ذهنی‌ام از نقش و فیلمنامه رجوع می‌کنم و شکل واقعی به آن می‌دهم.

در ارتباط با نقش‌هایی‌که در ظاهر و البته در پایگاه و جایگاه طبقاتی اجتماعی و فرهنگی‌شان از شما خیلی دورند – مثلاً بازی‌های‌تان در فیلم‌های‌کما یا اخراجی‌ها و حتی قلاده‌های طلا – برای نزدیک شدن به نقش‌آیا به نمونه‌های واقعی رجوع می‌کنید یا این‌که رفتارشناسی آنها را بر پایه ذهنیات خودتان ترسیم و تصویر می‌کنید؟

همان‌طور‌که پیشتر گفتم برای رسیدن به نقش‌هایم بیشتر ذهنی عمل می‌کنم. یعنی به‌آن چیزهایی‌که ذهنیت خودم از ایسن تیپ و طبقه از آدم‌هاست، مراجعه می‌کنم. برای مثال از دوران بچگی، دبیرستان و سربازی آن‌قدر با این تیپ‌افراد برخورد داشته و رفتارها و کاراکترشان را به‌خاطر سپرده‌ام که دیگر موقع ایفای نقش آنها به تحقیق درباره رفتارها و نوع گویش‌شان نیازی ندارم و از همان تصاویری‌که در ذهنم نقش بسته است، بهره برده و استفاده می‌کنم. درواقع من همیشه تصاویر آدم‌های مختلفی را‌که در جامعه می‌بینم در ذهنم نگه می‌دارم؛ چون می‌دانم به‌هرحال شاید روزی قرار باشد نقشی شبیه آنها را بازی کنم.

این در همه نقش‌ها صادق‌است؟

نه، به‌هرحال برای بازی در بعضی نقش‌ها باید به دنبال نمونه‌های واقعی باشیم. به‌طور مثال نقش یک بیمار عقب‌مانده ذهنی یا کسی‌که مشکلات روانی با معلولیت جسمانی دارد از نقش‌هایی‌است‌که باید در موردشان تحقیق کرد یا مدتی در کنارشان حضور داشت. در این صورت‌است‌که می‌توانم شیوه زندگی و رفتارهای آنها را ببینم و در ذهنم تجزیه و تحلیل کنم.

نقش‌های برتر کارنامه‌تان از نگاه خودتان کدام‌ها هستند؟

نمی‌خواهم مثال کلیشه‌ای نقش‌ها مثل فرزندان بازیگر هستند را تکرار کنم. اما از سوی دیگر نقش‌هایی را هم که نام می‌برم‌نه به دلیل علاقه شخصی خودم، بلکه نتیجه‌ای‌است‌که از بازتاب‌ها و عکس‌العمل‌های مردم به‌دست آورده‌ام. مثلاً در مورد کارهای قبلی خیلی‌ها از بازی‌م در فیلم کما تعریف کرده‌اند. خودم هم این نقش و فیلم را دوست دارم البته. دختر ایرونی، زن زیادی و میهمان‌مامان هم دیگر فیلم‌هایی هستند که تعریف‌شان را از زبان مردم شنیده‌ام. در میان فیلم‌های نسبتاً جدیدتر نیز «شب» رسول صدرعاملی را دوست دارم و البته «خانوم» تینا پاکروان را.

بدون تعارف، مردم چندان اهمیتی به خلاقیت یا هنرمندی یک بازیگر نمی‌دهند و معیار آنها برای محبوبیت بازیگران اغلب موارد دیگری را شامل است. شما اما آشکارا با بازی خلاق‌ی هستند و البته جزو نادر بازیگران خلاق‌ی که محبوبیت خاص و عام نیز دارند. آیا در محبوبیت‌تان – بیشتر البته محبوبیت چندسال گذشته را مد نظریم است؛ و‌گرنه در این چند سال اخیر کمی کم‌کار شده‌اید و به تبع آن کم‌تر از آن محبوبیت عجیب مردمی می‌توانیم سراغی بگیریم – برای خلاقیت‌تان نیز جایگاهی قابل‌هستید؟

خلاقیت تنها عامل متمایزکننده بازیگران از همدیگر است. خلاقیت آدم‌ها و بازیگران با هم متفاوت است و بنابراین بازی‌شان نیز با هم تفاوت پیدا می‌کند. حس می‌کنم مردم حس خوبی به بروز و ظهور خلاقیت‌های من داشته‌اند و به این دلیل هم با نقش‌هایی‌که ایفا کرده‌ام ارتباط خوبی برقرار کرده‌اند. در کارنامه‌کم هنرپیشه قطعاً نقش‌هایی وجود دارد که هر بازیگر دیگری نیز می‌تواند آنها را ایفا کند و وجوه مشخصه و تمایز انگیزی با همدیگر ندارند. اما درعین‌حال می‌توان به نقش‌هایی نیز اشاره کرد که ایفای آنها نیاز صددرصدی به خلاقیت دارد. مردم حداقل در کارنامه من بیشتر این قبیل کارهایم را پسندیده‌اند. از این روست‌که من برای تمام نقش‌هایم نهایت انرژی را صرف می‌کنم و سعی می‌کنم دارم همواره خلاقیت‌های متناسب با هر نقشی را در کارم بروز دهم و به تصویر بکنم. فکر می‌کنم مردم از یک بازیگر چیزی جز این را نمی‌خواهند. وقتی درنهایت مردم از نقشی خوش‌شان می‌آید و به قولی زمانی‌که از تباط خوبی میان تماشاگر با نقشی ایجاد می‌شود، بازیگر تشویق می‌شود که در کارهای اتی نیز دست به خلاقیت و نوآوری بزند.

بهترین و خلاق‌ترین بازیگران جهان و همین ایران خودمان را چه کسانی می‌دانید؟

به‌نظرم ادوارد نورتون از خلاق‌ترین و بهترین بازیگران سسال‌های اخیر هالیوود است. پیداست‌که این هنرپیشه برای هر نقشی‌چه زحمتی می‌کشد و چه تلاش بی‌اندازه‌ای را به‌نمایش می‌گذارد تا شخصیتی را‌که ایفا می‌آن برعهده‌اش است، کامل بافرینی و با نهایت انرژی آن را تصور و ترسیم کند. در سینمای خودمان نیز پرویز پرستویی، رضا کیانیان، علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی از خلاق‌ترین بازیگرانی هستند که دوست‌شان دارم. انتظامی با این همه سال سابقه هنوز هم انگیزه ایفای نقش‌های درجه یک را دارد و با ابزار خلاقیت به این خواسته‌اش نیز می‌رسد.

چگونه؟ مگر خلاقیت را ابزار می‌دانید؟ آیا قایل به این نیستید که خلاقیت یک داشته‌ذاتی‌است‌که بعضی‌ها از آن بهره‌مندند و برخی نیز بی‌بهره از آنند؟

نه، فکر می‌کنم خلاقیت در ذات همه وجود دارد و خداوند همه

را به یک اندازه از ایسن موهبت برخوردار کرده‌است. با وجود این، شاید خودمان کوتاهی می‌کنیم که به آن دست پیدا نمی‌کنیم. شاید از

تنبلی ما باشد، یا از بی‌میلی‌مان نسبت به بهره‌مندی از آن؛ شاید هم اصلاً

گرفتار افکار دیگری هستیم. درحالی‌که اگر انسان می‌باشد به مرحله خودشناسی

برسد و بتواند روی فکر و روان خود کار و توانایی‌هایش را کشف کند،

به‌طورحتم راه موفقیت برایش باز می‌شود.

به‌عنوان آخرین پرسش؛ اگر شغل دیگری هم داشتید آیا این انگیزه را داشتید که بسان بازیگری‌تان آدم

خلاق‌ی قلمداد شوید؟

نمی‌دانم. شاید اگر در آن کارها هم حرفه‌ای بودم، به‌همین موفقیت‌دست می‌یافتم؛ شاید. آدم‌ت‌که موقعیت قرار نگیرد نمی‌تواند در مورد قضیه‌ای قضاوت درستی داشته باشد.

